

Islamic Hijab in International Relations And Its Role in Strengthening the Soft Power of Islamic Discourse

Zeynab Bahmani Gilavandani*

Mojtaba Abdkhoaei**

Abstract

Considering the importance of the Islamic hijab issue and its political and social role in societies and different social levels in the international arena, this issue is one of the important issues in the field of international politics and any discussion about it is linked to political and international issues. On the other hand, understanding the global role of Islamic discourse is deeply dependent on examining the nature and function of Islamic hijab as one of the power-building components of Islamic discourse in the field of soft power. Hijab as a cultural element and a manifestation of Islamic principles and discourse with a soft nature has been able to play a special role in the form of figures of power and is a threat to the liberal discourse of the West. Therefore, the question arises as to how the Islamic hijab has strengthened the soft power of Islamic discourse in international politics. This research, with a constructivist approach and using a qualitative method and in a documentary way, explains the idea that the Islamic hijab as a communication medium has strengthened the soft power of the Islamic discourse through identity building and the expansion of the discourse system against competing discourses. The most important achievement of this research is the explanation of the role of hijab according to its media nature in advancing the soft power goals of Islamic discourse.

Key Words: Islamic hijab, soft power, Islamic discourse, politics.

* International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran, (Responsible Author), zynbbhm@gmail.com.

** Professor, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran, abdcourse@gmail.com.

حجاب اسلامی در روابط بین‌الملل و نقش آن در تقویت قدرت نرم گفتمان اسلامی^۱

زینب بهمنی گیلاوندانی*

مجتبی عبدخدایی**

چکیده

نظر به اهمیت مسئله حجاب اسلامی و نقش سیاسی-اجتماعی آن در جوامع و سطوح مختلف کنش اجتماعی در عرصه بین‌الملل، این موضوع یکی از اولویت‌های مطالعاتی حوزه سیاست بین‌الملل می‌باشد و هرگونه بحث درباره آن با مسائل سیاسی و بین‌المللی پیوند خورده است. از سوی دیگر، شناخت نقش جهانی گفتمان اسلامی به‌طور عمیقی به بررسی ماهیت و کارکرد حجاب اسلامی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت‌ساز گفتمان اسلامی در حوزه قدرت نرم بستگی دارد. حجاب به‌عنوان عنصری فرهنگی و جلوه‌یافته از اصول و گفتمان اسلامی با ماهیت نرم توانسته است نقش ویژه‌ای در قالب چهره‌های قدرت ایفا نماید و تهدیدی برای گفتمان لیبرال غرب باشد. از این‌رو این سؤال مطرح است که حجاب اسلامی چگونه موجب تقویت قدرت نرم گفتمان اسلامی در سیاست بین‌الملل شده است؟ این پژوهش با نگرش سازه‌انگاران و با بهره‌گیری از روش کیفی و به شیوه اسنادی به تبیین این ایده می‌پردازد که حجاب اسلامی به‌مثابه رسانه ارتباطی از طریق هویت‌سازی و بسط نظام گفتمانی در برابر گفتمان‌های رقیب، موجب تقویت قدرت نرم گفتمان اسلامی شده است. مهم‌ترین دستاورد این پژوهش تبیین نقش حجاب با توجه به ماهیت رسانه‌ای آن در پیشبرد اهداف قدرت نرم گفتمان اسلامی است.

واژگان کلیدی: حجاب اسلامی، قدرت نرم، گفتمان اسلامی، سیاست.

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه زینب بهمنی گیلاوندانی است که در شهریور ۱۴۰۱ در دانشگاه علامه طباطبائی ع دفاع شده است.

* کارشناسی ارشد، سایر، حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
zynbbhm@gmail.com

** استادیار، روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
abdcourse@gmail.com

مقدمه

حجاب به معنای پوشش، تاریخی به قدمت زندگی بشر دارد. هم‌زمان با هبوط حضرت آدم و حوا به زمین نخستین موضوع در هبوط انسان، چگونگی پوشش اندام‌ها در روابط انسانی است. اما حجاب در اصطلاح امروزی آن ابعاد اجتماعی ویژه‌ای فراتر از پوشش یافته و نمایان‌کننده نوع جهان‌نگرش، الگوی زیست و سبک زندگی است. گستردگی و عمق این ابعاد در عرصه رقابت تمدنی میان الگوهای زیست سازمان‌دهی اجتماعی و به‌طور خاص، رقابت میان دو الگوی تمدنی اسلام و غرب باعث شده است که دولت‌های غربی به حجاب فراتر از یک نوع از رفتار دینی-اجتماعی، بلکه به‌عنوان ظرفیت قدرت رقیب در یارگیری اجتماعی-تمدنی نگاهی سیاسی نمایند.

از این جهت دولت‌ها و جوامع غربی در چند دهه گذشته با برخورد مستقیم و غیرمستقیم رفتاری، رسانه‌ای، اجتماعی و فیزیکی با صاحبان حجاب اسلامی و انواع به حاشیه‌راندن، تحقیر اجتماعی، کوتاه کردن دست زنان با حجاب از مناصب اجتماعی و حقوق طبیعی، انواع خشونت‌های ساختاری و فیزیکی را علیه آنان اعمال داشته‌اند. افزون‌بر آن، تلاش نموده‌اند تا فرایندهای تقنینی و نهادی را با هدف به حاشیه‌راندن، محدودسازی و سرکوب این قشر اجتماعی بسیج نمایند.

این پژوهش با توجه به تأثیر پدیده حجاب بر گزاره‌های فرهنگی جامعه و تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی جامعه بر حجاب درصدد است تا نقش حجاب را به‌عنوان برساخته دینی و اجتماعی هویت‌ساز بررسی کند؛ پدیده‌ای که در بالاترین سطح قادر است تولید قدرت نرم نماید و ارزش‌ها و نیروهای مشترک جهانی را برای تقویت گفتمان اسلامی بسیج اجتماعی نماید. همچنان که اندیشمندان روابط بین‌الملل خاطر نشان ساخته‌اند قدرت نرم در سیاست خارجی دارای نقشی بی‌بدیل است. هویت‌سازی و بسیج افکار عمومی، ایجاد وحدت و وفاق ملی، بازسازی و یادآوری هویت‌های ازدست‌رفته و دفاع از آرمان‌ها و ارزش‌ها از شیوه‌ها و ابزارهای قدرت نرم است که کنشگری اجتماعی را فراهم می‌کند.

به تعبیر جوزف نای،^۱ پژوهشگر سیاسی آمریکایی که قدرت نرم به نام او ثبت شده است، قدرت نرم سه منبع اصلی دارد: فرهنگ، ارزش‌ها یا ارزش‌های سیاسی و سیاست‌های داخلی و خارجی جذب‌کننده. حجاب اسلامی هم به‌عنوان بخشی از فرهنگ و مؤلفه فرهنگی و هم به‌عنوان یک ارزش در وجه دینی و اخلاقی، رفتاری جذب‌کننده است که می‌تواند بر دیگران نفوذ داشته باشد و بر آنها اثر بگذارد؛ از این رو جزء منابع تقویت‌کننده قدرت نرم محسوب می‌شود. حجاب می‌تواند به‌عنوان یک منبع فرهنگی و ارزشی قوی وارد عمل شود و از راه هویت‌سازی،

1. Joseph Nye

گفتمان‌سازی، انتقال فرهنگ و ارزش‌ها بر افکار عمومی اثر بگذارد. سرانجام، می‌توان گفت: حجاب می‌تواند به تولید و تقویت قدرت نرم بر مبنای دین از راه ارتباطات عمومی و ارزش‌های جهانی شکل دهد.

براساس این، سؤال اصلی تحقیق این است که حجاب اسلامی چگونه موجب تقویت قدرت نرم گفتمان اسلامی می‌شود؟ ایده اصلی این نوشتار آن است که حجاب اسلامی به‌مثابه رسانه ارتباطی از طریق هویت‌سازی و بسط نظام گفتمانی در برابر گفتمان‌های رقیب، موجب تقویت قدرت نرم گفتمان اسلامی شده است. درحقیقت، فرهنگ و نظام ارزش‌ها از شاخص‌های مهم قدرت نرم محسوب می‌شوند که حجاب اسلامی از طریق تقویت توانمندی‌های فرهنگی و انتقال آنها موجب تقویت قدرت نرم می‌شود. از آنجاکه سخن از بعد هویت‌سازی و ساخت منطق رفتاری توسط قدرت نرم است، چارچوب نظری سازه‌انگاری نسبت به دیگر نظریه‌ها همخوانی بیشتری با بحث قدرت نرم از این زاویه دارد.

اهمیت و ضرورت پرداختن به پژوهش

اهمیت این پژوهش در آن است که با بررسی جایگاه و نقش حجاب در اثرگذاری قدرت نرم، می‌توان توجه دولت‌ها را به نقش آن جلب کرده و مطالعات علمی را برای به‌خدمت‌گرفتن آن در سیاست خارجی کشورهای مبتنی بر قدرت نرم آغاز کرد. پرداختن به نقش حجاب اسلامی در کنار مسئله گفتمان و هویت، به تأثیرگذاری در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی منجر می‌شود.

ضرورت پژوهش نیز از آن جهت قابل‌بررسی است که نبود محتوا در این حوزه به‌معنای این است که شبهات وارد شده و تصویرسازی منفی علیه حجاب، صحیح می‌باشد. این تحقیق با محتوا و دیدگاه جدید خود سعی می‌کند در دفع قسمتی از این شبهات سهمی داشته باشد. از طرفی، بومی‌سازی و اسلامی‌سازی علوم انسانی در حوزه سیاست در ایران حائز اهمیت است که از دلایل دیگر ضرورت پرداختن به این پژوهش است.

روش پژوهش

روش تحقیقی این پژوهش از آن جهت که در تلاش است تا با شیوه‌های غیرکمی، یافته‌های کیفی را به دست آورد، نوعی از پژوهش کیفی با بهره‌گیری از تبیین است. پرداختن به مسئله حجاب به‌عنوان یک محصول اجتماعی در گرو فهم و شناخت معانی اجتماعی است. به همین سبب سعی می‌شود با استفاده از تکنیک‌های کیفی و تفسیری فهمی از این معانی ارائه شود. این نوشتار با

رویکرد قیاسی و با روش تبیینی و با استفاده از داده‌های اسنادی و کتابخانه‌ای درصدد بررسی این فرضیه است که حجاب اسلامی چگونه موجب بسط نظام گفتمانی در برابر گفتمان‌های رقیب شده و در نتیجه موجب تقویت قدرت نرم گفتمان اسلامی می‌شود. این پژوهش از داده‌های دست دوم (گردآوری شده توسط دیگر پژوهشگران) و داده‌های دست سوم (تحلیل دیگر پژوهشگران از داده‌های دست دوم) استفاده نموده است.

مروری بر پیشینه پژوهش

نسبت به پیشینه این پژوهش، گفتنی است که مقوله حجاب و بررسی اجتماعی آن مورد توجه برخی پژوهشگران بوده است. برخی از مقالات با تحلیل اجتماعی مسئله حجاب به ماهیت رسانه‌ای و توان حجاب در ایجاد کنش اجتماعی پرداخته‌اند و با نگاهی جامعه‌شناختی، آسیب‌پذیری جامعه در قبال بی‌حجاب و اختلال انتقال فرهنگ حجاب و همچنین تهدیدهای بیرونی علیه حجاب را بررسی کرده‌اند (محبوبی منش، ۱۳۸۶). برخی دیگر با بیان اهمیت و ضرورت عفاف و حجاب در جامعه اسلامی، به آسیب‌های اجتماعی ناشی از فقدان حجاب از بعد گسترش مفاسد اجتماعی و عناصر سلامت‌بخش روانی جامعه پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که عفاف و حجاب نه تنها از ارکان و عوامل اصلی پیشرفت و توسعه کشور است، بلکه از عوامل بقا و دوام جامعه می‌باشد (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۴). برخی دیگر از مقالات نیز ذیل بحث جایگاه اجتماعی زنان در جریانات اجتماعی اسلامی اشاراتی گذرا بر مقوله حجاب داشته‌اند و بیشتر به شناخت مشخصه‌های تحول گفتمانی اسلامی در حوزه زنان و بیان جایگاه و نقش زن در این گفتمان و دستاوردهای آن پرداخته‌اند (رضاپور و سیمبر، ۱۳۹۷). در حیطه قدرت نرم نیز منابع متفاوت، ضمن توضیحی جامع از قدرت نرم و مؤلفه‌های آنها سعی کرده‌اند ابزارهای فرهنگی تأثیرگذار ایران را با توجه به مذهب مشترک، پیوندهای تاریخی و جغرافیایی به‌عنوان جلوه مهم قدرت نرم ایران را برشمارند (رفیع و نیکروش، ۱۳۹۲). همچنین، منابع دیگر به بررسی ابزارهای قدرت نرم به‌عنوان منابع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آفریقا پرداخته و انقلاب اسلامی ایران را یکی از منابع قدرت نرم ذکر کرده است (رهبر و همکاران، ۱۳۹۴). آنچه این نوشتار را متمایز از مقالات یادشده می‌کند، پرداختن به نقش حجاب به‌عنوان یکی از نمادهای اسلامی در تولید قدرت نرم در عرصه بین‌الملل است. این نقش به‌اندازه‌ای جدی و مهم است که واکنش صریح دولت‌ها و جوامع غربی را در محدودسازی حجاب داشته و کمتر مورد بحث و گفتگوی مقالات علمی قرار گرفته است. از این جهت، این پژوهش با نگاهی نظری برای نخستین بار تأثیر حجاب را به‌عنوان پدیده‌ای بین‌المللی مورد توجه قرار داده و نقش و تأثیر نمادها (بررسی حجاب اسلامی به‌عنوان یک نماد) را بر قدرت نرم و گفتمان اسلامی نشان می‌دهد.

براساس این، نخست، مروری بر چارچوب نظری سازه‌انگاری و قدرت نرم و پیوند آن با مباحثی مانند حجاب خواهیم داشت و سپس به ماهیت ترویج گفتمانی حجاب و در گام بعد حجاب به مثابه ابزاری قدرت‌آفرین از نوع قدرت نرم را بررسی خواهیم کرد. در گام واپسین به چگونگی نقش‌آفرینی حجاب در هویت‌سازی خواهیم پرداخت.

چارچوب نظری و مفهومی

برای تبیین نقش حجاب در روابط بین‌الملل لازم است هم‌زمان به دو بعد حجاب توجه نمود: نخست، نقش حجاب در تولید قدرت نرم و دوم قدرت نرمی که از طریق ترویج گفتمانی رخ می‌دهد و هویت‌ساز است. از این رو، استفاده از مفهوم نظری قدرت نرم و چارچوب نظری سازه‌انگاری که معطوف به چگونگی برساخت هویت و منفعت است، در این بحث لازم است. از آنجاکه در بخش‌های بعدی به ماهیت قدرت نرم اشاره خواهیم کرد، در این قسمت تنها مروری گذرا بر چارچوب نظری سازه‌انگاری و ارتباط آن با قدرت نرم می‌نماییم.

نظریه سازه‌انگاری با توجه به نگاه متفاوتی که میان دیگر نظریات دارد، به‌طور غیرمستقیم، نگاهی به دین و معنویت و به‌طور کلی، نگاهی به رویکردهای معنایی در ساختار نظام بین‌الملل انداخته است. سازه‌انگاری نقش عوامل انگاره‌ای، ایده‌ها، هویت‌ها، هنجارها، ارزش‌ها و باورهای مشترک در روابط بین‌الملل و تأثیر آن بر روابط کشورها را تبیین می‌کند و اگرچه واقعیت مادی و مستقل از ذهن را می‌پذیرد، اما جهان روابط بین‌الملل را به آن محدود نمی‌کند. همچنین، این نظریه معتقد است پدیده‌های فرهنگی به انگاره‌های هویتی اثر می‌گذارد. انگاره‌ها و باورهای متقابل بین‌ذهنی نیز اساس تعامل بین کشورها هستند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴، ص ۲۱۸-۲۰۴).

سازه‌انگاری قدرت نرم را انجام رفتاری دانسته که با شناخت محیط اجتماعی مبتنی بر انتظارات و اشتراکات بین‌ذهنی شکل می‌یابد و به‌صورت ناملموس با تأثیر بر ذهن آدمی تولید جاذبه می‌کند و سعی دارد آن را در سطح جهانی موجه جلوه دهد (Nye, 2011, p; 20-22). از نظر سازه‌انگاری کنش بازیگران اعم از کنشگران انسانی و کشورها تحت تأثیر همین ذهنیات و برداشت‌های ذهنی، باورها و هویت‌های ساخته شده صورت می‌گیرد؛ یعنی ساختار نظام بین‌الملل دارای ماهیت اجتماعی و بعد انگاره‌ای و ذهنی است (ونت، ۱۳۸۶).

ارتباط سازه‌انگاری با قدرت نرم بسیار قوی است. از آنجایی که قدرت نرم به‌دنبال اثرگذاری بر افکار عمومی ملت خود و دیگر ملتهاست، سعی می‌کند برداشت آنها از کشور خود را سازمان‌دهی کند. قدرت نرم با انتقال دیدگاه‌ها و اصلاح سوءبرداشت‌ها و انتقال جنبه‌های مثبت یک کشور، برای کسب منافع خود تلاش می‌کند (موسوی، ۱۴۰۰، ص ۱۱۴).

قدرت نرم می‌تواند از این طریق با در دست داشتن یک هنجار قوی و به اشتراک‌گذاری آن در سیاست خارجی دیگر کشورها مبادرت نماید و ابهامات هنجاری سیاست خارجی خود را در سطح فراملی رفع کند. قدرت نرم تلاش می‌کند تا با روش غیرمستقیم، آن بخش از هنجارها، باورها، ارزش‌ها، هویت و منافع را که مدنظر دارد با سیاست خارجی دیگر کشورها به اشتراک گذارد. متقاعدسازی، پرداختن به روش‌های مشارکتی و ایجاد جاذبه در قلب‌ها و ذهن‌ها، همان روش اقناعی قدرت نرم است که سازه‌انگاری نیز به این موارد توجه داشته است (نای، ۱۳۸۹، ص ۵۳-۵۴).

نظریه سازه‌انگاری به دلیل قائل بودن نقش مهم برای ارزش‌ها، ایده‌ها و انگاره‌ها در قالب ساختارهای غیرمادی، ظرفیت و امکان پرداختن به نقش دین در روابط بین‌الملل را در خود دارد و حضور بازیگران غیردولتی دینی در روابط بین‌الملل یکی از این موارد است؛ مانند نهادها و سازمان‌های مذهبی به‌عنوان بازیگران دینی در سطح ملی و فراملی که فعالیت‌های مذهبی و رفتارهای دینی را تقویت می‌کنند و حتی به‌عنوان بازیگران غیردولتی دینی شناخته می‌شوند.

در این نهادها آداب و رسوم مذهبی، نمادها و مناسک دینی برگزار می‌شود. سازمان‌های مذهبی می‌توانند الگویی از قواعد و مسائل اعتقادی را به اشتراک بگذارند و در کنار آن برای فرهنگ کشور خود نیز تبلیغ و تلاش کنند. سازمان کنفرانس اسلامی، کنگره جهانی یهود، کلیساها و حزب الله لبنان نیز از جمله بازیگران غیردولتی دینی هستند که نقش مهمی در نظام بین‌الملل کنونی دارند. حتی می‌توان به نقش گروه‌های انسانی اشاره کرد که در قالب مبلغان مذهبی در سرتاسر جهان به تبلیغ مذهب و فرهنگ خود در قالب قدرت نرم می‌پردازند.

دین به‌عنوان مجموعه‌ای معرفتی از گزاره‌ها، اعتقادات و باورهایی است که به‌عنوان یک گفتمان سیاسی در ارتباط با فرهنگ و هویت، با در نظر گرفتن کارکردهای ایدئولوژی و غیرمادی آن به پدیده‌های اجتماعی معنا می‌بخشد و به‌عنوان یک انگاره تحلیلی برای نشان دادن نقش اعتقادات، باورها و رفتارها، در اجتماعات دینی روابط بین‌الملل به کار می‌رود (سلیمانی، ۱۳۹۶، ص ۳۷۸).

در قالب الهیات سیاسی بین‌المللی، مطابق چارچوب نظریه سازه‌انگاری قاعده‌محور نیکولاس اونف^۱، نقش دین در چارچوب روابط بین‌الملل قابل طرح است و امکان مطالعه و پرداختن به رابطه دین و روابط بین‌الملل را فراهم کرده است. این نوع سازه‌انگاری به تأثیرگذاری قواعد بر ابعاد غیرزبانی زندگی انسان اشاره دارد. در بیان الهیات سیاسی بین‌المللی دین به‌عنوان رویه و قواعدی معرفی می‌شود که بر هویت و انگاره‌های افرادی که بر مبنای ایمان عمل می‌کنند، اثر می‌گذارد و به‌عنوان یک قاعده، راهنما و هدایت‌کننده مؤثر کنش افراد است (خرمشاد و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۶۸-۱۷۳).

1. Nicholas Onuf

ماهیت حجاب اسلامی به مثابه رسانه‌ای ارتباطی

رسانه در معنای وسیع شامل هر نوع گفتار، نوشتار، پوشش و نوع لباس می‌باشد که وظیفه انتقال پیام یا پیام‌های خاص را به عهده دارد و می‌تواند با در نظر گرفتن نمادها و نشانه‌ها، شیوه خاصی از اطلاع‌رسانی و انتقال پیام را به عهده بگیرد (محبوبی منش، ۱۳۸۶، ص ۹۸). امروزه رسانه‌ها از فضای سنتی خود خارج شده‌اند و دیگر به اینترنت، شبکه‌های مجازی و تلویزیون محدود نیستند و با ایجاد هدف مشترک قادرند به هم مرتبط شوند و بر هم تأثیر گذارند. در میان نظریاتی که در باب رسانه‌ها وجود دارد، نظریات تلفیقی در باب رسانه‌ها معتقد است، رسانه‌های جدید ماهیت درهم‌تنیده و پیچیده دارند؛ یعنی در دو جهت متفاوت از همدیگر می‌توانند فعالیت کنند. رسانه‌های جدید هم در باب ساختن زمینه ثبات، آرامش، سکون، همبستگی و اتحاد در جامعه قادر به ایفای نقش هستند و هم می‌توانند زمینه آشوب، بحران و تشویش در جامعه را فراهم کنند (نوری و قلی‌پور، ۱۳۹۷، ص ۳۴-۳۸).

ماهیت و کارکرد حجاب به گونه‌ای است که می‌تواند به مثابه رسانه‌ای ارتباطی که حاوی پیام‌هایی برای مخاطبان خود است، ایفای نقش نماید. آن پیام ارزش، احترام و حفظ کرامت انسانی است. اگر حجاب را به عنوان رسانه در نظر بگیریم، عنصری است که ارتباطات انسانی بر مدار گفتمان اسلامی را شکل می‌دهد و به شکل نمادین رقم می‌زند. از این رو، حجاب و پوشش اسلامی برای بانوان به هر شکلی که باشد دارای پیام است و به عبارتی زبان ارتباطی است. به عبارت بهتر هر پوششی به تنهایی حاوی اطلاعات خاصی است، بدون آنکه ارتباط کلامی درباره آن انجام شود.

شغل، پایگاه اقتصادی، اجتماعی، دین و فرهنگ، همه از نوع پوشش مشخص می‌شود. حتی به گفته روان‌شناسان رنگ‌های لباس نیز مشخص‌کننده حالات درونی فرد است و همچنین تفاوت‌های اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی نیز از آن برداشت می‌شود. افزون بر آن، هر لباس ارزش ارتباطی خاص خود را دارد. برای مثال، لباس‌های متحدالشکل بیش از هر نوع پوشش دیگری هم جنبه نمادین دارد و همچنین جنبه رسانه‌ای و ارتباطی (کشفی و جوادی یگانه، ۱۳۸۶، ص ۶۴). براساس این، حجاب مجموعه‌ای از رفتارهایی است که آگاهانه یا ناآگاهانه رفتارهای ارتباطی را به واسطه آن وجه رسانه‌ای که در خود دارد شکل می‌دهد و نخستین پیامی که مخابره می‌کند، گفتمان اسلامی در پرتو پوشش صحیح است (محبوبی منش، ۱۳۸۶، ص ۹۸-۱۰۳).

جایگاه حجاب اسلامی در قدرت نرم

الف) ماهیت قدرت نرم

شکل جدیدی از قدرت در دهه‌های گذشته اهمیتی بسیار پیدا کرده است. این نوع قدرت، قدرت

مدیریت و نفوذ بر افکار و ایده‌ها تعریف می‌شود که به آن قدرت نرم گفته می‌شود و نتایج مدنظر خود را با راهبردهای متفاوتی پیش می‌گیرد. دولت‌ها، تنها بازیگران اصلی قدرت نرم نیستند و هر سازمان، نهاد، شرکت، مؤسسه، گروه حتی گروه‌های تروریستی و رسانه‌ها هم می‌توانند از قدرت نرم استفاده کنند (Nye, 2004). قدرت نرم با عناصر و منابع غیرمادی سروکار دارد و عبارت است از تأثیرگذاری بر دیگران و توانایی کسب مطلوبیت. قدرت نرم در بسیاری از مواقع به خواسته‌ها و اولویت دیگران شکل می‌دهد و از این طریق اهداف خود را پیگیری می‌کند و قابلیت شکل‌دهی به علاقه دیگران را نیز دارد؛ زیرا با جذب و اقتناع هدف خود را پیگیری می‌کند. به‌هرحال روش قدرت نرم متقاعد کردن است (نای، ۱۳۸۹، ص ۴۶-۴۸). قدرت نرم بیش از هر مؤلفه دیگری از جذابیت‌های فرهنگی و ایدئال‌های سیاسی نشئت می‌گیرد؛ اما به آن محدود نمی‌شود. هنجارها، ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها، فرهنگ و جذابیت‌های فرهنگی، انگاره‌ها و روش زندگی و... نیز منابع قدرت نرم برای جذب هستند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۸). درحقیقت، تسلط بر افکار عمومی شرط موفقیت قدرت نرم است.

از این مسیر، نقش و جایگاه حجاب در شکل‌دهی به افکار عمومی و ایجاد جاذبه در قلب‌ها و ذهن‌ها را به‌صورت غیرمستقیم، آن‌هم به دلیل ماهیت رسانه‌ای آن روشن می‌کند. حجاب با انتقال جنبه‌های مثبت گفتمان اسلامی و با به اشتراک گذاشتن و معرفی بخشی از هنجارها، باورها، ارزش‌ها و هویت متأثر از گفتمان اسلامی، دیگران را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

سازمان‌های غیردولتی، شبکه‌های با نفوذ، ائتلاف‌ها، مکان‌های مذهبی و هر بازیگری که بتواند خارج از سیاست حکومت‌ها و فراتر از مرزها، بخشی از شهروندان ساکن در چند کشور مختلف را تحت تأثیر خود قرار دهد و توجه رسانه‌ها و دولت‌ها را به خود جذب کند، در عرصه قدرت نرم به بازیگری پرداخته است (هوکینگ، ۱۳۸۸، ص ۹۷). از این‌رو می‌توان گفت: گفتمان اسلامی دارا و صاحب قدرت نرم است و از ابزارها و عناصر مختلفی برای تقویت قدرت نرم خود استفاده می‌کند و حجاب یکی از عناصر مورد استفاده و مؤثر جهت تقویت قدرت نرم گفتمان اسلامی است (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۵).

شاخصه‌ها و منابع قدرت نرم می‌تواند از جذابیت‌های فرهنگی و سیاست‌های یک کشور شروع شود و در هنجارها، ایدئولوژی‌ها، اعتقادات، انگاره‌ها و رویدادهای سیاسی یک کشور ادامه یابد. این عناصر، عناصری هستند که سیاست‌های اعمال شده از سوی یک کشور را مقبول و مشروع جلوه می‌دهند (نای، ۱۳۸۹، ص ۵۱). منابع قدرت نرم امروزه در عصر اطلاعات و ارتباطات گسترده شده‌اند. درحقیقت، مواردی که منابع قدرت نرم محسوب می‌شوند بیشتر شده است.

سرمايه‌های اجتماعی که مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، باورها و آداب و رسوم را شامل می‌شوند و در تعاملات اجتماعی نقش مهمی دارند و زمینه مشارکت و تسهیل ارتباطات را فراهم می‌آورند، جزء منابع غیرمادی قدرت هستند. گفتمان‌ها نیز از مهم‌ترین منابع غیرمادی قدرت هستند که در تولید قدرت نقش دارند و به روابط، هویت‌ها و فرایندهای اجتماعی معنا می‌دهند و متشکل از ارزش‌ها، مفاهیم و قواعد معنایی در بستر زبانی هستند که به معانی شکل می‌دهند. افزون‌بر همه اینها، علم، فناوری، اعتبار بین‌المللی، دین، شخصیت رهبران و دیپلماسی از عناصر مهم غیرمادی قدرت به شمار می‌آیند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴، ص ۲۰۴-۲۱۲).

ب) نقش و جایگاه فرهنگ در قدرت نرم

فرهنگ عبارت است از مجموعه‌ای از ارزش‌ها و دیدگاه‌هایی که به یک جامعه روح و معنا می‌بخشد که نمودهای زیادی در سطح جامعه دارد و از هنر، ادبیات و دین گرفته تا سبک پوشش، آداب و رسوم، تاریخ و آیین‌ها همه و همه جزئی از ارزش‌های فرهنگی به شمار می‌آیند که می‌توانند جذابیت‌های متنوعی ایجاد کنند و از طریق آن علایق، سلیقه‌ها و ارزش‌های مشترک ایجاد شود (بزی، ۱۳۸۶، ص ۸).

فرهنگ‌ها نشان‌دهنده شباهت‌ها و تفاوت‌ها هستند و این تفاوت‌ها اغلب برای دیگران جذاب به نظر می‌آید. ابعاد فرهنگی هر کشور الگوهای رفتاری خاصی را از خود به نمایش می‌گذارد که حائز اهمیت است. عمده توجه سازه‌انگاران نیز توجه به ساختارهای فرهنگی و نظام‌های انگاره‌ای در روابط بین‌الملل است. برای سازه‌انگاری، عوامل فرهنگی و شناختی که از طریق آن شناخت مشترک را خلق کند دارای اهمیت است و معتقدند بدون توجه به فرهنگ نمی‌توان توضیح دقیق و قانع‌کننده از نظام بین‌الملل ارائه کرد (خداوردی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۰-۱۴۱)؛ از این‌رو تماس‌های فرهنگی، انتقال فرهنگ و مبادلات فرهنگی به‌عنوان ابزاری برای مقابله با افکار منفی یا جهت تأثیرگذاری بر افکار عمومی شناخته می‌شود که جزء منابع مهم قدرت نرم می‌باشد.

در این پژوهش، فرهنگ، یک مفهوم نظری برای نشان دادن حجاب به‌عنوان یک منبع فرهنگی قدرت نرم است و فرهنگ به‌عنوان یک کل با حجاب اسلامی به‌عنوان یک جزء، دارای تأثیر و تأثر متقابل است. این فرهنگ هم در بعد فردی وجود دارد؛ مانند دین و هم در بعد اجتماعی قابل رؤیت است؛ مانند مبانی فکری، هنجارها و هویت که با آسیب دیدن هرکدام از اینها هویت فرهنگی ناقص می‌شود.

ج) نسبت دین و فرهنگ

دین به‌عنوان مؤلفه فرهنگی مهم در جامعه تأثیرات بسزایی دارد و خود تشکیل‌دهنده بخشی از فرهنگ است. اگر در گذشته از دین، آموزه‌های دینی و نقش آن در جامعه سخن گفته می‌شد، اما امروزه تعریف‌های چندبعدی و متنوعی حکایت‌گر کارکردهای متنوع دین است که بر کارکردهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی اثرگذار است. در دیدگاه‌های جامعه‌شناختی، دین جزء عناصر هویت‌بخش، معنادهنده و مؤثر در نظم اجتماعی، بهداشت روانی و مؤثر در روابط بین‌الملل شناخته شده است (همتی، ۱۳۹۲، ص ۵).

به‌دیگرسخن، دین سهم و نقش مهمی در امور اجتماعی و حیات جمعی یک کشور و فرهنگ آن دارد که با در نظر گرفتن ماهیت و ابعاد دین می‌توان حضور و نقش دین در نهادهای اجتماعی، موضع‌گیری‌ها، کنش‌های جمعی، روابط اجتماعی، فرهنگ، سیاست و روابط بین‌الملل را مشاهده کرد. دین اسلام از آن ادیانی است که آموزه‌های عدالت اجتماعی، صلح جهانی و دستورات آن بر هر فرهنگی اثرات قوی دارد.

همچنین، می‌توان از منظر دین به‌دلیل آموزش سبک زندگی دروازه‌های ورود یک فرهنگ جدید و تغییر در فرهنگ را بررسی کرد. به‌طورکلی، دین در بسیاری از تحولات فرهنگی مهم بوده است و سازنده بسیاری از آداب‌ها، آیین‌ها و خواسته‌ها در فرهنگ است (رهنما و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۴۹). نسبت فرهنگ با دین اسلام را می‌توان در یک نگاه کلی، نسبت کل به جزء در نظر گرفت؛ یعنی فرهنگ عام است و دین به‌عنوان یک عنصر تشکیل‌دهنده آن جزء است؛ زیرا ممکن است برخی حوزه‌ها یا مبانی فرهنگ در حوزه‌های دین جایی نداشته باشد؛ اما به‌هرحال این عنصر شکل‌دهنده فرهنگ محسوب می‌شود. از این‌رو دین یاری‌رسان قوی در فرهنگ در زمینه تغییر، اصلاح، پیرایش و فیلترکردن مبانی فرهنگی است. تری یان‌دیس می‌نویسد: در تمام عالم هستی دین بر زندگی مردم اثرگذار است؛ هرچند تأثیر آن از فرهنگی به فرهنگ دیگر فرق می‌کند (بهرامی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۰-۱۸۶).

حجاب نیز به‌عنوان حکم اسلامی از این قاعده مستثنا نیست؛ زیرا قلمرو حجاب ناظر بر زوایای فردی، اجتماعی و اخلاقی در جامعه است و جزئی از قلمرو گسترده فرهنگ محسوب می‌شود. قلمرو فرهنگ شامل تمامی روابط، قوانین و باورها است؛ بنابراین حجاب در فرهنگ‌سازی می‌تواند نقش برجسته داشته باشد.

نقش حجاب اسلامی در تقویت قدرت نرم گفتمان اسلامی از گذرگاه فرهنگ و انتقال آن

بررسی‌های جامعه‌شناختی از حجاب به‌عنوان یک قاعده که رفتار شهروندان را سازمان‌دهی کرده و

توانسته است برداشت‌های متفاوتی را در ذهن بسازد و تأثیرات مثبت و منفی آن، نشان‌دهنده نقش حجاب در فرهنگ است. موضوع اهمیت حجاب به‌عنوان عنصر فرهنگی در غرب از آن جهت اهمیت پیدا کرده است که حجاب به‌عنوان یک عنصر فرهنگی جامعه در معرض فراروفرودهای مختلف و تحت تأثیر پدیده‌های مختلف سیاسی-اجتماعی و فرهنگی قرار گرفته است و تغییرات و تحولات جدی در آن رخ داده است. دوره‌های مختلف غرب از قرون وسطا تا قرون معاصر نشان‌دهنده سیر تصور این عنصر فرهنگی در غرب است.

الف) فرهنگ‌سازی و تقویت فرهنگ از مجرای حجاب اسلامی

بخشی از ارزش‌های هر جامعه‌ای که قواعد رفتاری آن جامعه را از خود نشان می‌دهد، بخش هنجاری فرهنگ است. حجاب به‌عنوان بخش هنجاری فرهنگ موجب فرهنگ‌سازی اجتماعی می‌شود (بهرامی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۰). در ادامه به فرهنگ‌سازی حجاب با توجه به شرایط محیطی پرداخته می‌شود.

هرگاه اصالت وجودی زن و احترام به بانوان و ارزش‌های آنان به‌عنوان مخلوقات الهی مطرح است، راه برای جلوه‌گری فرهنگ نیز باز می‌شود؛ زیرا حجاب می‌تواند انرژی ذهنی جهت به‌کارگیری تعقل، فکر، اندیشه و منطق را آزاد کند و از عوامل رشد فرهنگی محسوب شود. حجاب تنها به پوشش ظاهری بدن محدود نمی‌شود؛ بلکه حجاب یک رفتار و کنش اجتماعی و یک رفتار فرهنگی با گرایش فطری نهفته در آن است؛ ازاین‌رو کارکردهای مختلفی در قدرت ایجاد می‌کند. کشوری که می‌خواهد قدرت نرم خود را از طریق فرهنگ جلو ببرد و به ثمر برساند تا به نتایج دلخواه خود برسد، می‌تواند از نقش و تأثیر حجاب در فرهنگ بهره ببرد. ازاین‌رو، تأثیری که حجاب می‌تواند در تقویت قدرت نرم گفتمان اسلامی داشته باشد از چند طریق ممکن می‌شود:

- دین‌شناسی و یادآوری ارزش‌های دینی در جوامع: حجاب با شناساندن و معرفی ارزش‌های دینی و معرفت دینی برای بانوان، الگوها و آموزه‌هایی را برای آنها تعریف می‌کند که برای تقویت افکار بانوان و جهت‌دهی به آنها جهت رسیدن به ارزش‌ها و هنجارهای راستین نقش دارد و در نهایت سلامت جامعه را به ارمغان می‌آورد.

- با ایجاد محیط سالم، محیط اجتماعی ایمنی را برای مشارکت بانوان در جامعه و در نهایت افزایش علم و آگاهی و شناخت آنها فراهم می‌کند. مخاطبان حجاب اسلامی نه دولت‌ها بلکه ملت‌ها، عامه مردم و شهروندان کشورهای دیگر هستند که افکار آنها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در این صورت، اگر تأثیر حجاب بر افکار عمومی کارآمد باشد، فشار یا حمایتی از جانب

عمومی صورت می‌گیرد که می‌تواند بر دولت‌ها اثر بگذارد و نقش حجاب بر تقویت شاخص‌های قدرت نرم مؤثر واقع می‌شود. پویایی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، شناسایی صحیح زنان از هویت خود، نقش صحیح مادری و همسری در کنار فعالیت‌های دیگر، همه مواردی بودند که بانوان آن را با حجاب خود به نمایش می‌گذارند (khalid, 2011, p. 31-41).

- رعایت اخلاق در روابط فردی و جمعی از ثمرات رعایت حجاب در جامعه است (بهرامی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۶).

در واقع، لباس هر شخص استقلال فکری، سیاسی، فرهنگی و عقیدتی خود را نشان می‌دهد. تغییر در هر لباسی که انجام شود، فرهنگ، عقیده و اندیشه یک ملت را تغییر داده است. رعایت حجاب به‌عنوان یک پوشش نشان از استقلال و مقابله با جنگ فرهنگی است. حجاب با استقلال فرهنگی و عدم وابستگی به فرهنگ و اقتصاد دیگر کشورها رابطه دارد؛ زیرا با اصلاح ساختارهای جامعه، در شکل‌دهی و هدایت فرهنگ جامعه به سمت کانون‌های مثبت رشد مؤثر است. به‌دیگرسخن، حجاب می‌تواند از روند اسلام‌ستیزانه جوامع جلوگیری کند. فرهنگ‌های وابسته، مهم‌ترین وسیله جهت نفوذ فرهنگی در جوامع هستند؛ اما حجاب با اثرگذاری در قدرت نرم از مجرای فرهنگ و با ارائه الگوهای مناسب زمینه را برای حفظ استقلال فکری و فرهنگی و مقابله با تهاجم فرهنگی به ارمغان می‌آورد. نمونه آن را می‌توان در تاریخ الجزایر و مبارزه علیه کشف حجاب اجباری مشاهده کرد.

جوامع غربی با نشان دادن تفسیر ناقص و انحرافی از دین اسلام آن را مساوی با دین خشونت نشان می‌دهند و با مهاجران مسلمان بدرفتاری می‌کنند. حجاب نیز به‌عنوان یک آموزه دینی از این قاعده مستثنا نیست. مثلاً دولت فرانسه، مهاجران مسلمان را مسئول بسیاری از خرابکاری‌ها در جوامع معرفی می‌کند که این امر با حادثه ۱۱ سپتامبر روند صعودی به خود گرفته است. همچنین، حجاب می‌تواند ذهنیت افراد به‌ویژه زنان و دختران جوان غربی را نسبت به خودآگاهی و فرهنگ راستین اسلامی آشنا کند؛ زیرا گرایش به حجاب، عفاف و پوشیدگی میلی ذاتی و فطری است. حتی سیمون دوبوار^۱، از نویسندگان فعال فمینیست‌ها که زنان را تشویق به ترک نقش‌های همسری و مادری می‌کند، معتقد است پاکدامنی از خصوصیات ذاتی زنان است و اساساً خصلت بیولوژیکی دارد و محافظ آنان است (غلامی، ۱۳۹۱، ص ۲۴۱). درحقیقت، پاکدامنی یک مفهوم ثابت، مطلوب و دلخواه زنان است.

تأثیر دیگری که حجاب از راه فرهنگ بر قدرت نرم داشته است، این است که دلیل روی آوردن

1. Simone de Beauvoir

دوباره مردم به دین است. در چند دهه اخیر علل مختلفی توجه مردم را به سمت دین جلب کرد که حجاب نیز یکی از آنهاست؛ زیرا عفت و پوشش موجب شناخت، آگاهی و خودشناسی بیشتر زنان شده است. به عنوان مثال، فمینیسم، جنبشی است که تلاش کرده تا هویت و کرامت زنان را به آنها بازگرداند؛ اما در نهایت دچار اختلال هویت بیشتر در زنان و سردرگمی آنها شده است و نتایج مخربی در جوامع غربی به بار آورده و آنان را در مسیر مردانگی و زنانگی سردرگم کرده است و صفات و هویت مردانه را به آنها القا کرده است. نتایج معکوس و منفی برای زنان در نهایت موجب شده زنان زیادی تصمیم بگیرند به اصل خویش برگردند که ظاهرشان هم یکی از آنهاست (بهمن پوری و آل کثیر، ۱۳۹۴، ص ۱۶۸).

از این رو، حجاب نقش مؤثری در تغییر نگاه به زنان دارد. تأثیر دیگری که حجاب بر فرهنگ می‌گذارد تقویت نهاد خانواده و کارکردهای آن است. از دیگر آثار مخربی که فمینیسم‌ها برجای گذاشته‌اند، ترک نقش مادری و همسری برای زنان، افزایش سقط جنین، ازهم‌پاشیدگی خانواده‌ها، افزایش شرکای جنسی و در نهایت افزایش بیماری‌ها، افزایش بی‌بندوباری و نگاه جنسیتی به زن، افزایش آسیب به زنان در نتیجه اعتراضات به نقش‌های منحصر به فرد خود است؛ زیرا آنها به طور کلی، ازدواج را رد می‌کنند (هدایت‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۳۸-۳۹).

اما حجاب به عنوان نماد دین اسلام درک صحیح و نگرش بجایی از زنان و ویژگی آنها معرفی می‌کند که موجب تغییر نگاه به زنان می‌شود. توجه به حجاب مواردی مانند افزایش احترام، استقلال و عزت را برای زنان به ارمغان می‌آورد. نشان دادن نتایج عکس نظریات پیشین که موجب بی‌احترامی بیشتر به زنان شده است و ترویج فرهنگ حجاب در نسل جدید، قلب زنان و دختران را به حجاب متمایل کرده است. در مقام عمل زنان به این نتیجه رسیده‌اند که حجاب باعث محترم شمردن آنها شده است؛ لباسی که نه تنها فعالیت‌های آنها را مختل نمی‌کند، بلکه این پوشش برای آنان احترام می‌آورد.

در حقیقت، فرهنگ غرب با انجام تبلیغات گوناگون و پردازش نظریه‌های جدید و طراحی مدهای عجیب و غریب و به بهانه آزادی، احترام از زنان جوامع مختلف را گرفته است؛ اما رواج فرهنگ حجاب در جوامع غربی با این فرهنگ‌های پوچ و نادرست مبارزه می‌کند؛ زیرا توجهات بیشتری را به خود جلب می‌کند و بانوی محجبه در غرب برجسته‌تر از بانوی محجبه در کشورهای اسلامی است. زنان به دنبال به دست آوردن ارزش‌های فراموش شده خود هستند. گزارش‌های نشریه پوشش زنان نشان می‌دهد که زنان سال به سال بیشتر به دنبال لباس‌های پوشیده هستند؛ زیرا آنها اطمینان یافته‌اند که حجاب در تعاملات جامعه و فعالیت‌های آنان وجه انسانی آنها را به نمایش می‌گذارد نه وجه جنسی آنها را (بهمن پوری و آل کثیر، ۱۳۹۴، ص ۲۵۷).

ایجاد و توسعه نظم در جامعه، افزایش امنیت، ایجاد همبستگی‌ها و افزایش وحدت در جامعه به‌عنوان یک سرمایه اجتماعی، استحکام خانواده‌ها و مبارزه با فقر فرهنگی یا فرهنگ‌های پوچ از جمله کارکردهای مثبت حجاب جهت حفظ استقلال فرهنگی است (غزالی، ۱۳۹۰، ص ۹). در جامعه‌ای که حجاب ارزش تلقی شود و قدرت نرم با بینش و درک صحیح از آن استفاده کند و بر ضد ارزش‌های دیگر در جامعه خود غلبه کند، انتقال فرهنگ توسط حجاب به‌آسانی رخ می‌دهد. ترویج و انتقال فرهنگ توسط حجاب در قدرت نرم از طریق کانال‌های مختلفی اتفاق می‌افتد:

- الگوسازی، شناساندن و معرفی الگوی صحیح از حجاب و کارکردهای آن در جامعه: معرفی الگوها تأثیر و نقش مهمی در ساختارهای روحی و رفتاری انسان‌ها دارند. مثلاً با معرفی الگوهای والا در تاریخ از حضرت زهرا (س) و حضرت مریم (س) گرفته تا بانوان معاصر امروزی که با حجاب خود متانت، وقار، احترام به شخصیت زن را به ارمغان آورده‌اند و نماینده زنان موفق، کارآمد، تحصیل‌کرده و درعین حال، مؤمن در جامعه هستند، الگوی مناسبی را برای حضور در جامعه و ایفای نقش معرفی شوند. معرفی الگوی مناسب گام مهمی در ترویج و انتقال فرهنگ در قدرت نرم است (کشوری، ۱۳۹۰، ص ۱۴۱)؛

- ایجاد مدارس اسلامی در کشورهای غربی که در حال افزایش است؛

- رفع شبهه: حجاب همراه با برخورد مسالمت‌آمیز و عطفوت اسلامی، روش مؤثری برای رفع شبهات می‌باشد. هرچا برخوردی که توأم با رأفت اسلامی، منطقی و عاقلانه باشد و بتواند عدم مغایرت پوشیدگی با فعالیت، رفت‌وآمدها، آزادی، کار و... را نشان دهد، می‌تواند به‌صورت عملی رفع شبهه نماید و فلسفه‌ها و پیامدهای فرهنگی، اخلاقی، روانی و فردی حجاب را شناسایی کند. درحقیقت، در اینجا، ماهیت نمادین و رسانه‌ای حجاب برجسته می‌شود که به‌خودی‌خود و بدون اینکه گفتگویی صورت بگیرد، رفع شبهه کرده است که می‌تواند متولی مهمی در انتقال فرهنگ در حوزه قدرت نرم باشد (کشوری، ۱۳۹۰، ص ۱۵۷).

برای بهتر نشان دادن رابطه دین و حجاب با فرهنگ و رابطه هر سه با قدرت نرم شکل زیر تدوین شده است:



شکل ۱. رابطه حجاب اسلامی با قدرت نرم

ب) گفتمان‌سازی حجاب اسلامی

گفتمان‌ها، نظام‌های معنایی هستند که از مجموع ارزش‌ها، قواعد و معانی تشکیل شده‌اند و دارای تأثیرات مستقلی هستند که بر ابعاد حیات اجتماعی بشر تأثیر خود را بر جای می‌گذارند و می‌توانند کنش‌های خاصی را ممکن، موجه، مشروع و طبیعی جلوه دهند. از این رو، گفتمان خاستگاه روابط اجتماعی قدرت است و این قابلیت را دارد که به روابط، هویت‌ها، رویه‌ها، فرایندها و ظرفیت آنها معنا بدهد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴، ص ۲۰۷). گفتمان از جمله منابع قدرت و از عناصر مهم قدرت نرم می‌باشد. بازیگرانی که از این منبع استفاده کنند، می‌توانند با معنادهی به کنش‌های خاص، دیگران را تحت تأثیر خود قرار دهند؛ بنابراین گفتمان‌ها مجموعه‌ای از ارزش‌ها، قواعد و معانی را در خود دارند که می‌توانند به هویت‌ها و روابط معنا بدهند و تأثیرات مختلفی را بر کنش اجتماعی دیگران بگذارند (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۲).

ظرفیت حجاب در این راستا، تولید گفتمان جدید در بستر قدرت نرم است؛ یعنی می‌تواند گفتمان‌سازی کند تا با استفاده از آن مقابل گفتمان‌های رقیب بایستد. مثلاً فمینیسم اگرچه در ابعاد یک نظریه جهانی وسعت یافته است، اما آن را مجموعه‌ای از گفتمان‌ها شکل می‌دهد؛ گفتمان‌های متأثر از فمینیسم در نهایت به هویت‌زدایی از زنان منجر شده است که گفتمان حجاب می‌تواند با آن مقابله کند. گفتمان‌سازی حجاب درجایی اهمیت پیدا می‌کند که دریابیم دختران و بانوان بیش از هر زمان دیگری تحت تأثیر رسانه‌ها، تبلیغات و مدرنیته قرار گرفته‌اند. حجاب خود در متن اسلام است که به واسطه گفتمان بودنش ماهیت اجرایی پیدا کرده است.

گفتمان به حجاب کمک می‌کند تا با استفاده از نظر متخصصان و نخبگان بتواند شرایط تغییر و تحول در پوشش، نظرات مخالف و موافق و عوامل تأثیر حجاب بر جوانان را به کار ببرد؛ یعنی گفتمان حجاب مجموعه‌ای از رویکردهای معنایی و گفتاری جدید برای اقدام جوانان جهت پذیرش حجاب است. گفتمانی که حجاب ایجاد می‌کند این است که از ظاهر پوشش اجباری می‌گذرد و به سمت مقوله‌ای برای عقیفانه زیستن اختیاری، نجات فرد و آرامش خانواده و جامعه می‌رود.

افزون‌براین، شناخت و فهم مسئله حجاب جز در بستر گفتمان به‌عنوان یک مؤلفه اجتماعی ممکن نیست؛ زیرا این عنصر اجتماعی به تغییرات و تولید دیگر ابعاد اجتماعی-سیاسی در بستر گفتمان منجر می‌شود. سرانجام حجاب قادر به گفتمان‌سازی است؛ زیرا متأثر است از یک جهان‌بینی، اعتقاد و فرهنگ که همه این عناصر بر روابط قدرت نیز اثر می‌گذارد. پوشش خود به‌تنهایی بخشی از یک گفتمان و نشئت‌گرفته از آن است که تغییر در آن، به ابعاد حیات سیاسی-اجتماعی بشر و فرایندهای آن مرتبط است (جاودانی مقدم، ۱۳۹۸، ص ۱۰۲).

درحقیقت، حجاب خود گفتمان رسمی است که سعی می‌کند در مقابل پادگفتمان‌ها بایستد. حجاب به‌عنوان عنصری شکل‌گرفته در بستر گفتمان پدیده‌ای مستقل و برساخته است که می‌تواند گفتمانی مبتنی بر هویت ناسیونالیستی و دینی به‌عنوان دال مرکزی تولید کند؛ زیرا منابع گفتمان‌سازی قدرت نرم در دیدگاه اسلامی منابع اعتقادی، منابع اخلاقی، منابع اقتصادی و... است و حجاب به‌عنوان حکم خداوند ذیل اعتقادات و اخلاقیات دین اسلام است (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۹-۲۲). باید توجه داشت که گفتمان‌های متنوع و مخالفی حول محور مسئله پوشش و حجاب زنان طراحی و تولید شده‌اند؛ از این رو به گفتمان درآوردن خود حجاب و فراتر رفتن از محدوده دینی برای حجاب مهم جلوه می‌کند. سیاست‌گذاری‌های فرهنگی مختلفی جهت ایجاد و اجرایی کردن فرهنگ حجاب و به گفتمان درآوردن آن وجود دارد که حجاب بتواند با موضوع‌سازی خود، نحوه پوشش زنان را که با حجاب مشخص می‌شود به گفتمان در بیاورد که این مطلب از مهم‌ترین مصادیق گفتمان اسلامی است و در ساخت فرهنگ و ترمیم آن نقش دارد (مرادخانی، ۱۳۹۶، ص ۱۷۷)؛ یعنی حجاب می‌تواند با کمک گرفتن از عناصر اجتماعی، فرهنگی و دینی موضوعات مدنظر خود را برای گفتمان‌سازی تولید کند و از طریق این موضوع‌سازی سازمان‌دهی روابط و مناسبات اجتماعی را انجام دهد و از قالب منفعلانه خارج شود (محسنی و حاضری، ۱۳۹۸، ص ۸۴).

گفتمان حجاب خود گفتمان‌های علمی و انتقادی را تولید می‌کند که می‌تواند در پیوند با فرهنگ دینی و ملی با نمادهای غرب‌زدگی و نشانه‌های تهاجم فرهنگی با رویکرد انتقادی مقابله کند. در گفتمان غربی، جریان فمینیسم با ادعای دفاع از حقوق زنان و ارزش آنها و رفع

دیدگاه‌های منفی شکل گرفت که زن را ناکام و حاصل نقصی در آفرینش (ارسطو) می‌دانست. آنان می‌خواستند با نظر به اینکه زنان مورد ظلم واقع شده‌اند، دوره طولانی حقارت زنان را جبران کنند (غلامی، ۱۳۹۱، ص ۲۲۳-۲۲۴).

این جنبش با وجود تلاش و فعالیت گسترده، نتوانست به هدف خود و احقاق حقوق زنان برسد و نتایج دیگری همچون هویت‌زدایی، فراموشی و انکار نقش واقعی زنان، انحراف آنان و ازهم‌پاشیدگی بنیان‌های خانواده را در برداشته است. اگرچه در تشخیص مورد ظلم واقع شدن زنان و پایمال شدن حق و هویت آنان به تشخیص درستی رسیده بودند، اما روش، نگاه و گفتمان آنها نتایج دیگری برای زنان داشته است. حجاب هویت زن را فراتر از جنسیت او تعریف می‌کند و از موقعیت ابتدالی و کالایی شمردن زن فراتر می‌رود (کاظمی سهلوانی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۵). از این رو، گفتمان‌سازی حجاب تأثیر قابل توجهی در تقویت قدرت نرم گفتمان اسلامی می‌گذارد. گفتمان‌سازی در مقابل گفتمان‌های رقیب مسیری است که اقبال به حجاب را در سرتاسر دنیا تسهیل می‌کند.

ج) هویت‌سازی حجاب اسلامی در پرتو گفتمان‌سازی

اسلام در عصر آشفته‌گی‌های فرهنگی، تبلیغات رسانه‌ها و بحران هویت افراد به گونه‌ای طراحی شده است که پاسدار شخصیت و هویت افراد است و حجاب به عنوان شاخص اسلامی هویت‌سازی در دین مطرح شده است که به شکل نرم‌افزارگرایانه در جهت تخریب مؤلفه‌های سکولار، بی‌هویتی و هویت‌زدایی می‌جنگد. یک نشریه آمریکایی ضمن گوشزد کردن خطر اسلام معتقد است پدیده پان‌اسلامیسم در حال رخ دادن است که خطری برای هویت غرب است و محوری‌ترین و مهم‌ترین عنصر این پدیده سبک پوشش آن است. حجاب اسلامی مهم‌ترین مشخصه زنان است که به فعالیت‌های او در جامعه و خانواده معنا می‌دهد. خودکشی، بیکاری، فقر، اعتیاد، از خودبیگانگی و بی‌هنجاری نتایج بحران هویت در جوامع است. از آنجایی که هویت پاسخ به سؤال من کیستم می‌باشد، تمایز و تشابه افراد با یکدیگر مشخص می‌شود. هویت به ابعاد مختلف هویت فردی، هویت اجتماعی، دینی، ملی و... تقسیم می‌شود و رسیدن به هر کدام از ابعاد هویت پاسخ به سؤال من کیستم را مشخص می‌کند. حجاب به عنوان پوششی با ویژگی‌ها و خصلت نمادین خود، نماد مسلمان بودن است و هم به عنوان هویت فردی زنان شناخته می‌شود و هم بر هویت اجتماعی آنها تأثیر گذار است (عسگری فرد و علی اکبری، ۱۳۹۶، ص ۵۵۷).

حجاب راهکار مناسب فرهنگ و گفتمان قدرت نرم است؛ زیرا اقدام به هویت‌سازی یا بازسازی

هویت و یادآوری هویت ازدست‌رفته می‌کند و با هویت‌بخشی به زن مسلمان در مقابل گفتمان‌های رقیب و آسیب‌های اجتماعی راهکار ارائه می‌دهد. در این قسمت حجاب از وجه نمادین بودن و رسانه ارتباطی بودن خود جهت هویت‌سازی استفاده می‌کند. در این صورت شخصیت فرهنگی او در جامعه ارتقا پیدا می‌کند و در تعدیل نقش‌های او در خانواده و جامعه نقش دارد؛ یعنی هویت‌سازی حجاب اثرات مهمی در رونق فرهنگ جامعه و شخصیت زن دارد (غزالی، ۱۳۹۰، ص ۹-۱۰).

هویت‌یابی صحیح حجاب باعث می‌شود تا جوامع و فرهنگ‌ها از رواج فرهنگ‌های پوچ و افکار ابتدالی جلوگیری کنند؛ زیرا نفوذ فرهنگی خود را از راه‌های مختلفی وارد جوامع می‌کند و هویت افراد را نشانه می‌رود. فرهنگ حجاب و هویت برآمده از آن به‌عنوان یک آموزه دینی مهم‌ترین وسیله برای مقابله با نفوذ فرهنگی است. هویت‌سازی برآمده از حجاب زمانی مؤثر واقع می‌شود که در پرتو خودشناسی، آگاهی، استقلال و افزایش فعالیت بانوان در محیط ایمن اتفاق می‌افتد. هر پوششی نماد استقلال است و حجاب به‌عنوان یک پوشش می‌تواند نمادی از استقلال سیاسی و فکری جوامع باشد که از این طریق کمک می‌کند تا تازه‌مسلمانان گرفتار بی‌هویتی نشوند و یکی از ابعاد هویت، هویت ملی و هویت دینی است که هویت‌سازی حجاب در حفظ این دو امر مؤثر واقع می‌شود.

نتیجه‌گیری

حجاب از جمله آموزه‌ها و نمادهای مهم فرهنگی به شمار می‌رود و از راه‌های حفظ و تقویت قدرت نرم گفتمان اسلامی در عرصه بین‌الملل است. حفظ این هنجار نه تنها حفظ سرمایه‌ای اجتماعی است، بلکه حفظ یکی از مهم‌ترین ابزارهای قدرت در عرصه رقابت بین‌المللی تلقی می‌شود. حجاب با ارائه معنایی بین‌ذهنی و گفتمانی برای پوشش زنان، نوع سبک زندگی و سازمان‌دهی اجتماعی و فراتر الگویی از فرهنگ و هویت فرد و جامعه را انعکاس می‌دهد. تبدیل شدن حجاب به نماد زن مسلمان به‌ویژه در کشورهای غربی و سکولار، قانون‌گذاری علیه حجاب در کشورهای اروپایی و در رأس آنها کشورهای اروپایی داعیه‌دار فرهنگ تمدن غرب، مجازات و ممنوعیت حضور و مشارکت بانوان محجبه در این کشورها، حاکی از عمق تأثیرگذاری حجاب در رقابت سیاسی میان گفتمان اسلام و غرب دارد.

درحقیقت، دولت‌های غربی که همواره از طریق استعمار فرهنگی راه را برای هژمونی همه‌جانبه خود بر کشورهای اسلامی فراهم می‌ساختند، اکنون توسط گفتمان حجاب به چالش میدانی کشیده شده‌اند و دریافته‌اند که حجاب اسلامی نه تنها می‌تواند به مثابه قدرت نرم‌افزاری گفتمان اسلامی

دست برتری برای جلوگیری از تهاجم فرهنگی آنان ایجاد کند، بلکه قادر است صبغه فعالانه در تهاجم به فرهنگ غرب درون قلمرو آنان ایجاد نموده و تهدیدی برای تمدن آنان باشد. همچنین، در رقابت سیاسی میان دو گفتمان اسلام و غرب به عنوان نمادی تأثیرگذار نقش آفرینی نماید. در این راستا، افزایش گرایش به اسلام و هویت اسلامی در غرب در چند دهه گذشته، محجبه شدن بانوان تازه مسلمان یا غیر مسلمان به عنوان تهدیدی امنیتی از سوی دولت‌های غربی نگریسته شده است که با روش‌های مختلفی سعی در مدیریت آن دارند.

در این پژوهش به نقش حجاب به عنوان عنصر فرهنگی، ارزشی و مؤثر در هویت‌سازی و تقویت قدرت نرم گفتمان اسلامی پرداخته و بیان شد که حجاب می‌تواند از راه گفتمان‌سازی، هویت‌سازی و ترویج و انتقال فرهنگ و ارزش‌ها، با تقویت قدرت نرم موجب تقویت توانمندی‌های قدرت نرم دولت‌های اسلامی و در نهایت گفتمان اسلامی شود. بدیهی است این قدرت همچنان که نقشی سازنده در هویت خودی دارد، نقشی مؤثری در جهت تخریب مؤلفه‌های سکولار، بی‌هویتی و هویت‌زدایی از هویت رقیب دارد.

منابع

۱. افتخاری، اصغر؛ علی کمالی و وحید کرباسی (۱۳۹۴). نظریه قدرت نرم در قرآن کریم، مطالعه تطبیقی گفتمان اسلامی و غرب، پژوهش میان‌رشته‌ای قرآن کریم، ۶(۱)، ص ۹-۲۴.
۲. بزوی، خدارحم (۱۳۸۶). تأملی بر فرهنگ و اثرگذاری بر توسعه، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونت‌گاه‌های انسانی، ۲(۴)، ص ۵-۱۹.
۳. بهرامی، محمد (۱۳۸۷). نسبت دین و فرهنگ از نگاه قرآن، ویژه‌نامه قرآن و مهندسی فرهنگی، ۱۴ (۵۴ و ۵۵). ص ۱۷۲-۲۰۳.
۴. بهمن‌پوری، عبدالله و صدیقه آل‌کثیر (۱۳۹۴). بررسی و نقد استنباط فمینیست‌ها از حجاب، فصلنامه علمی پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، ۳(۲)، ص ۱۴۵-۱۷۴.
۵. جاودانی‌مقدم، مهدی (۱۳۹۸). بررسی سیر تطور گفتمان حجاب در سپهر سیاست و فرهنگ ایران، فصلنامه علمی تخصصی سپهر سیاست، ۶(۲۰)، ص ۹۱-۱۳۳.
۶. خداوردی، حسن (۱۳۹۶). جایگاه فرهنگ در تنوری‌های روابط بین‌الملل، فصلنامه مطالعات سیاسی، ۹(۳۵). ص ۱۲۱-۱۵۰.
۷. خرمشاد، محمدباقر و همکاران (۱۳۹۷). بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران، چاپ پنجم، تهران: سمت.
۸. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۴). اصول و مبانی روابط بین‌الملل ۱، ج ۱، چاپ اول، تهران: سمت.
۹. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۴). نظریه‌ها و فرایندها در روابط بین‌الملل، چاپ اول، تهران: مخاطب.
۱۰. رفیع، حسین و ملیحه نیکروش (۱۳۹۲). دیپلماسی عمومی و قدرت نرم با تأکید بر قدرت نرم ایران در عراق، مطالعات روابط بین‌الملل، ۶(۲۲)، ص ۹۹-۱۳۲.
۱۱. رهبر، عباسعلی؛ نجات پورمجید و مجتبی موسوی‌نژاد (۱۳۹۴). قدرت نرم، انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۴(۱۴)، ص ۹-۳۹.
۱۲. رهنما، اکبر؛ زهرا علی‌اکبرزاده آرانی و مجید خاری آرانی (۱۳۹۴). بررسی مفهوم حجاب در متون اسلامی، جایگاه آثار و جلوه‌های تربیتی آن، پژوهش‌نامه معارف قرآنی، ۶(۲۲)، ص ۳۷-۵۴.

۱۳. سلیمانی بیله‌سوار، رحمان؛ ملیحه اسدی و سودابه عباسی (۱۳۹۴). اهمیت و ضرورت عفاف و حجاب در جامعه اسلامی، دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
۱۴. سلیمانی، عبدالرحیم (۱۳۹۶). تعریف دین در کلام و فلسفه دین و تعریف اقلی و اکثری، نشریه فلسفه دین، ۲، ص ۳۷۵-۳۹۷.
۱۵. سیمبر، رضا و دانیال رضاپور (۱۳۹۷). جایگاه زنان در گفتمان رهبران انقلاب اسلامی ایران، زن و جامعه، ۲، ص ۱۳۳-۱۵۴.
۱۶. عسگری فرد، هاجر و احسان علی‌اکبری (۱۳۹۶). حجاب زنان به مثابه قدرت نرم امنیت‌افزایی حکومت اسلامی، پژوهشکده زنان دانشگاه الزهراء، دومین کنگره بین‌المللی نقش زن در سلامت خانواده و جامعه، دوره ۲.
۱۷. غزالی، مریم (۱۳۹۰). نقش حجاب (راهکار فرهنگ بومی و اسلامی) در پیشگیری و کنترل آسیب‌های اجتماعی، همایش هجوم خاموش، دوره دوم.
۱۸. غلامی، علی (۱۳۹۱). مسئله حجاب در غرب (بررسی حقوقی-جامعه‌شناختی)، چاپ دوم، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
۱۹. کاظمی سلهوانی، حسن (۱۳۹۲). حجاب و عفاف و نقش آنها در امنیت اجتماعی و خانوادگی از منظر قرآن، فصلنامه قرآنی کوثر، ۱۳(۴۶)، ص ۱۴۹-۱۵۹.
۲۰. کشفی، علی و محمدرضا جوادی یگانه (۱۳۸۶). نظام نشانه‌ها در پوشش، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۰(۳۸)، ص ۶۲-۸۷.
۲۱. کشوری، امین (۱۳۹۰). حجاب چرا، چاپ اول، قم: بوستان کتاب.
۲۲. محبوبی منش، حسین (۱۳۸۶). تحلیل اجتماعی مسئله حجاب، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۰(۳۸)، ص ۸۸-۱۳۴.
۲۳. محسنی، علیرضا و علی محمد حاضری (۱۳۹۸). تحلیل بر منازعات گفتمانی «حجاب» در دوره جمهوری اسلامی (۱۳۶۰ تا ۱۳۹۲)، اندیشه سیاسی در اسلام، ۶(۱۹)، ص ۸۳-۱۰۴.
۲۴. مرادخانی، همایون (۱۳۹۶). رویه‌های به گفتمان درآوردن نحوه پوشش زنان پس از انقلاب اسلامی، مطالعات جامعه‌شناختی، ۲۴(۱)، ص ۱۷۱-۲۰۳.
۲۵. موسوی، سیدمحمد (۱۴۰۰). واکاوی رابطه دیپلماسی عمومی و قدرت نرم در سیاست خارجی کشورها از منظر سازه‌انگاری، فصلنامه سیاست خارجی، ۳۵(۲)، ص ۱۰۷-۱۳۴.

۲۶. نای، جوزف (۱۳۸۹). قدرت نرم، ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
۲۷. نوری، مختار و مجتبی قلی‌پور (۱۳۹۷). رسانه‌های جدید و کنش جمعی در جامعه سیاسی ایران، جستارهای سیاسی معاصر، ۹(۲)، ص ۳۳-۵۳.
۲۸. ونت، الکساندر (۱۳۸۶). نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲۹. هدایت‌زاده، محمدصادق؛ سهیلا پیروزفر و غلامرضا رئیس‌ان (۱۳۹۷). تحلیل دیدگاه فمینیست‌های اسلامی درباره حجاب، مطالعه موردی دیدگاه اسما بارلاس، مطالعات جنسیت و خانواده، ۵(۲)، ص ۳۵-۶۴.
۳۰. همتی، همایون (۱۳۹۲). تحلیل نقش دین در جامعه، فصلنامه معرفت ادیان، ۴(۳)، ص ۵-۱۶.
۳۱. هوکینگ، برابان (۱۳۸۸). بازاندیشی در دیپلماسی عمومی نوین، در پان میلسن و همکاران، قدرت نرم در روابط بین‌الملل، ترجمه رضاکلهر و محسن روحانی، تهران: انتشارات امام صادق (علیه‌السلام).
32. Khalid, Zainab (2011). Rise of the Veil: Islamic Modernity and the Hui Woman. *Independent Study Project (ISP) Collection*, 1074.
33. Nye, Joseph S. (2004). *Soft power and leadership*, compass. a journal of spring.
34. Nye, Joseph S. (2011), *The future of power*, New York: Public Affairs.